



The University of Tehran Press

Regulation of the Legal Services Market by the Government: A Case Study of the New Zealand Bar Association

Mohammad Sadegh Farahani¹ | Ali Fattahi Zafarghandi²

Mohamad Reza Ghasemi³ | Mahdi Shirzadi⁴

1. Ph.D. in Public Law, Law faculty, Tehran University, Tehran, Iran. Email: msfarahani72@ut.ac.ir
2. Member of the Constitutional Council Research Center, Tehran, Iran.
Email: A.fattahi.zafarghandi@gmail.com
3. Ph.D. Student in Public Law, Law Faculty, Tehran University, Tehran, Iran.
Email: rezaghasemi7228@gmail.com
4. Corresponding Author; M.A in Criminal Law and Criminology, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran. Email: mahdi.shirzadi27@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	By defining the nature of legal representation as a public service, this profession has distanced itself from the private initiative of individuals (lawyers and clients), and the role of a third party, namely the government, has become prominent with the aim of ensuring public benefit and protecting consumers of legal services. This research, through a library study and adopting an analytical-descriptive approach, aims to elucidate the components of the New Zealand government's intervention in regulating the legal services market, particularly the profession of law. It concludes that in this country, the government's efforts have focused on establishing a perspective that goes beyond private contracts and defining the profession as a public service. The most important law governing the profession of law in New Zealand is the Lawyers and Conveyancers Act 2006. This law grants the New Zealand government extensive authority over the supervision of lawyers; issues ranging from setting fees to overarching policy-making in this profession are under the government's oversight. The conditions for practicing this profession are also determined by government authorities. Despite some criticism regarding these extensive powers, the positive outcomes of regulating this profession, including increased public satisfaction, elimination of monopolies, enhancing competition in the legal profession, and easier access to legal services, have further highlighted the necessity of government intervention in the regulation of this profession.
Pages: 2245-2268	
Received: 2022/04/17	
Received in Revised form: 2022/10/30	
Accepted: 2022/11/01	
Published online: 2024/12/21	
Keywords: <i>regulation, bar association, state intervention, monitoring, practice of law.</i>	
How To Cite	Mousazadeh, Reza; Azarpendar, Ahmadreza (2025). Regulation of the Legal Services Market by the Government: A Case Study of the New Zealand Bar Association. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 54 (4), 2245-2268. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.341275.3061
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.341275.3061
Publisher	The University of Tehran Press.





تنظیم بازار خدمات حقوقی از سوی دولت؛ مطالعه موردی: کانون وکلای نیوزیلند

محمدصادق فراهانی^۱ | علی فتاحی زفرقندی^۲ | محمدرضا قاسمی^۳ | مهدی شیرزادی^۴^۱ دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: msfarahani72@ut.ac.ir^۲ عضو هیأت علمی پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ایران. رایانامه: A.fattahi.zafarghandi@gmail.com^۳ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rezaghasemi7228@gmail.com^۴ نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده‌های فقهی، دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: mahdi.shirzadi27@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	با تعریف ماهیت وکالت به عنوان خدمت عمومی، این حرفه از ابتکار خصوصی افراد (وکیل و موکل) فاصله گرفته و نقش رکن سومی به نام دولت با هدف تأمین منفعت عمومی و حمایت از مصرف‌کننده خدمات حقوقی در آن پررنگ شده است. این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکرد تحلیلی-توصیفی، در مقام تبیین مؤلفه‌های مداخله دولت نیوزیلند در تنظیم‌گری بازار خدمات حقوقی، به ویژه حرفه وکالت به این نتیجه دست یافته که در این کشور، تلاش دولت معطوف به برقراری نگاهی فراتر از قرارداد خصوصی به این حرفه و تعریف آن به مثابه خدمت عمومی بوده است. مهم‌ترین قانون حاکم بر حرفه وکالت در این کشور، قانون وکلا و وکلای معاملات ۲۰۰۶ است. این قانون صلاحیت گسترده‌ای به دولت نیوزیلند در خصوص نظارت بر وکلا اعطا کرده است؛ مسائل خرد همچون تعیین میزان حق الوکاله تا سیاستگذاری کلان در این حرفه تحت نظارت و در اختیار دولت قرار گرفته است. تعیین شرایط تصدی این حرفه نیز با مقامات دولتی است. به رغم انتقاد برخی به این اختیارات گسترده، اما نتایج مثبت تنظیم‌گری این حرفه از جمله افزایش رضایت عمومی، رفع انحصار، رقابتی کردن حرفه وکالت و دسترسی آسان به خدمات حقوقی، لزوم مداخله دولت در تنظیم‌گری این حرفه را بیش از پیش عیان کرده است.
صفحات: ۲۲۴۵-۲۲۶۸	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰	
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱	
کلیدواژه‌ها: تنظیم‌گری، تنظیم‌گری دولت، کانون وکلا، مداخله، وکالت، نظارت، نظام حقوقی نیوزیلند.	
استناد	فراهانی، محمدصادق؛ فتاحی زفرقندی، علی؛ قاسمی، محمدرضا؛ شیرزادی، مهدی (۱۴۰۳). تنظیم بازار خدمات حقوقی از سوی دولت؛ مطالعه موردی: کانون وکلای نیوزیلند. مطالعات حقوق عمومی، ۵۴ (۴)، ۲۲۶۸-۲۲۴۵. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.341275.3061
DOI	10.22059/JPLSQ.2022.341275.3061
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

سال‌هاست که اشتغال به حرفه وکالت^۱ به‌طور ویژه مورد توجه نظام تقنینی کشورها قرار گرفته و نسبت به آن شرایط و نظامات خاصی در نظر گرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که امروزه، این حرفه از حوزه ابتکارات خصوصی اشخاص خارج شده است و از آن به‌عنوان یک «خدمت عمومی» یاد می‌شود. بر همین اساس نیز دولت‌ها وظیفه دارند، تدابیر لازم را در زمینه تأمین مطلوب و کارآمد آن اتخاذ کنند. از همین رهگذر، مفهوم «تنظیم‌گری» دولت نسبت به کانون‌های وکلا به‌منصه ظهور می‌رسد و از طریق سازوکار وضع قوانین و مقررات مربوط و با هدف ارتقای منفعت عمومی و صیانت از حقوق اشخاص اجرایی می‌شود. به‌عبارتی، مسئولیت دولت در تأمین (و نه لزوماً ارائه) خدمات عمومی، مستلزم طراحی نظام حقوقی متناسب با مسئولیت‌ها و وظایف مرتبط با آن است.

نیوزیلند به‌عنوان کشوری برخوردار از قدمتی دیرینه در امر وکالت، پس از کش‌وقوس‌های فراوان در گذر زمان، امروزه دخالت دولت در تنظیم‌گری وکالت را پذیرفته است. در این نوشتار ابتدا به مفهوم مداخله دولت در وکالت، استقلال کانون وکلا و اشخاص وکیل پرداخته می‌شود؛ پس از این سیر تاریخی وکالت و قوانین این حوزه در نیوزیلند بررسی می‌شود. سپس مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری ساختار و تشکیلات وکالت بررسی می‌شود (بخش دوم). در ادامه مؤلفه‌های دخالت دولت در تنظیم‌گری ورود به این حرفه (بخش سوم) و ضوابط حاکم بر تصدی این حرفه (بخش چهارم) بررسی و واکاوی خواهد شد. با اینکه آثار گوناگونی در زمینه امر وکالت و زوایای آن به‌نگارش درآمده، ادبیات داخلی موجود، کمتر به امور ساختاری و نهادی وکالت پرداخته است و تا زمان نگارش اثر حاضر تنها یک مقاله با عنوان «مؤلفه‌های مداخله دولت در تنظیم‌گری حرفه وکالت: مطالعه موردی نظام حقوقی انگلستان» اثر فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) مسئله مذکور را در نظام حقوقی انگلستان بررسی کرده است. به‌نظر می‌رسد چنین وضعیتی بیش از هر چیز ناشی از غلبه رویکرد ممنوعیت دخالت دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا در ادبیات داخلی باشد و ورود به موضوع مذکور با هدف تعدیل رویکرد موجود، منشأ تمایز این پژوهش از سایر پژوهش‌های مشابه خواهد بود.^۲

۱. در این پژوهش منظور از «وکیل» تمام انواع اشخاص این حرفه در نیوزیلند است؛ از مؤسسات حقوقی (law firms) به‌عنوان شخصیت‌های حقوقی گرفته تا اشخاص حقیقی که به‌عنوان وکیل به امر وکالت مشغول‌اند.

۲. شایان ذکر است که نظر به همسانی قواعد حاکم بر اشخاص حقیقی و حقوقی متصدی حرفه وکالت در نظام حقوقی نیوزیلند، لفظ «وکیل/وکلا» در پژوهش حاضر دلالت بر هر دو قسم اشخاص مذکور خواهد داشت. هم‌وکلایی که در قالب شخصیت حقیقی خود به ارائه خدمت وکالت می‌پردازند، هم مؤسسات حقوقی (law firms) عهده‌دار این مهم.

۲. نسبت سنجی میان «تنظیم‌گری دولت» و «استقلال نهاد وکالت»

چه‌بسا نخستین مسئله‌ای که همزمان با طرح ابعاد مداخله دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا به ذهن‌ها خطور کند، نسبت این مسئله با حفظ استقلال نهاد وکالت است. اینکه آیا هر نوع مداخله دولت در شئون مربوط به وکلا و کانون‌های وکلا به معنای نقض استقلال نهاد وکالت محسوب می‌شود یا اینکه می‌توان گستره‌ای از مداخلات دولت را نافی حفظ استقلال کانون‌های وکلا به‌شمار نیاورد؟ محور کلیدی پاسخ به این پرسش شناسایی مفهوم «استقلال نهاد وکالت» است. در این زمینه شورای اروپا استقلال نهاد وکالت را در قالب بخشی از یک دستورالعمل به ساده‌ترین وجه چنین بیان کرده است: «آزادی انجام حرفه بدون هرگونه دخالت نامناسب»^۱ (The independence of lawyers, 2002: 108).

چنانکه ملاحظه می‌شود، در این سند از عبارت «دخال‌ت نامناسب» استفاده شده است که خود، آغاز نظریه‌پردازی‌ها در خصوص تعیین مرز میان «دخال‌ت نامناسب» با «دخال‌ت موجه» است. تدوین‌کنندگان سند مذکور به این مسئله آگاهی داشته‌اند که عدم دخالت کامل به هر نحوی در امور کانون‌های وکلای دادگستری به مصلحت نیست و در نتیجه، صرفاً آن دسته از دخالت‌هایی منع شده‌اند که «نامناسب» یا «ناروا» باشند. تردیدها و اختلاف‌نظرها بیشتر حول این سؤال مطرح می‌شود که منظور از دخالت نامناسب یا ناروا چیست و مرز آن با دخالت مناسب یا موجه تا کجاست؟ همسو با همین رویکرد نیز برخی بر این باورند که «مداخلات دولت در حرفه وکالت دادگستری، برای تضمین این امر که وکلا به مرزهای قانون، ارزش‌های حاکمیت قانون و یا حتی هنجارهای اخلاقی برجسته و نرم‌های حقوقی اساسی پایبندند، ضروری است. بر این اساس باید گفت بحث درباره مجاز بودن یا نبودن دخالت دولت در امر وکالت نیست، بلکه مسئله اصلی، ایجاد تمایز میان مداخلات قابل قبول و غیرقابل قبول دولت است» (Woolley, 2014: 3-6). بر همین اساس، به‌منظور تعیین حدود مجاز و غیرمجاز مداخله دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا لازم است تا بین دو شأن مختلف این نهاد تفکیک کرد:

۱.۲. شأن غیربرخوردار از امتیازات قدرت عمومی

کانون وکلای دادگستری از جهتی، یک انجمن صنفی تلقی می‌شود، ازاین‌رو باید از هرگونه دخالت، دست‌اندازی و اعمال نظر توسط اشخاصی غیر از اعضای این صنف مصون بماند؛ چراکه اساس تشکیل انجمن‌های صنفی، حفظ حقوق و منافع مشروع اعضای صنف است و هر نوع نفوذ و تسلطی حتی با قانونگذاری و غیر آن مغایر با اصل آزادی تشکیل است. آزادی فعالیت جمعی، از حقوقی است که دولت باید بدان احترام بگذارد و به حفظ آنها در سیاستگذاری و نظارت بر آن توجه کند. لازمه برخورداری از

1. Undue Interference

این آزادی‌های گروهی نیز استقلال تشکلهای صنفی از مقامات دولتی است (حیدری، ۱۳۸۹: ۱۴۶). مهم‌ترین ویژگی این شأن از کانون‌های وکلا، عدم برخورداری از اختیارات و صلاحیت‌های شبه‌تقنینی، شبه‌قضایی و اجرایی است. به عبارت دیگر، به تناسب عدم برخورداری کانون‌های وکلا از اختیارات مربوط به قدرت عمومی، صلاحیتی هم در خصوص تنظیم امور حرفه‌ای وکلا برای آنها متصور نیست و به تبع نظارت دولت بر آنها نیز وجهی نخواهد داشت.

۲.۲. شأن برخورداری از امتیازات قدرت عمومی

در صورتی که کانون‌های وکلا دارای برخی از اختیارات مربوط به قدرت عمومی باشند، به تبع دارای صلاحیت تنظیم و سامان بخشی امور حرفه‌ای وکلا خواهند بود. بر همین اساس، ایجاد کانون‌های وکلا به موجب قانون است و با توجه به وظایف و کارکردهای عمومی کانون وکلا جهت سامان بخشی امور وکلا، عضویت وکلا در آنها اجباری بوده و کانون‌ها حسب مورد دارای صلاحیت آیین‌نامه‌گذاری نیز هستند. رعایت مقررات یادشده برای همه وکلای دادگستری الزامی است و رعایت نکردن آنها موجب محکومیت انتظامی خواهد بود. قانونگذار در مقام تعیین اختیارات کانون‌های وکلا، برخی از اموری را که ذاتاً در صلاحیت مقامات و مراجع دولتی است، به کانون‌های مزبور واگذار می‌کند و به تناسب اختیارات واگذارشده، کانون‌های وکلای دادگستری در برابر مقامات دولتی مسئول نحوه اعمال اختیارات خود هستند. در این حوزه، دولت موظف است فراتر از دیدگاه صنفی مزبور در صدد فراهم‌سازی شرایط دسترسی مناسب به خدمات حقوقی با رعایت حقوق و منافع عمومی برآید و دست به تنظیم‌گری نهاد وکالت - صرفاً در شأن مرتبط به بهره‌مندی از امتیازات قدرت عمومی - بزند.

۳. سیر تطور نهاد وکالت در نیوزیلند

نیوزیلند از جمله کشورهایی است که کانون وکلای با سابقه‌ای دارد و بیش از ۱۵۰ سال از عمر کانون وکلای این کشور می‌گذرد. هرچند تا پیش از تأسیس کانون وکلای مستقل، حسب مستعمره بودن این سرزمین، وکالت در نیوزیلند تحت سیطره وکلای انگلیسی و قوانین دولت بریتانیا بود، اما پس از مناقشه‌های فراوان پیش از استقلال رسمی سیاسی این کشور از بریتانیا، کانون وکلا مستقل در این کشور تأسیس شد. در ادامه تاریخ مختصری از نهاد وکالت و مقررات این حوزه در این کشور ارائه خواهد شد.

نیوزیلند تا سال ۱۸۷۶ میلادی رسماً جزئی از مستعمرات دولت بریتانیا به حساب می‌آمد. همین موضوع نظام حقوقی این کشور را تابعی از نظام حقوقی دولت بریتانیا قرار می‌داد، به نحوی که وکالت در

نیوزیلند نیز تحت سیطره قوانین بریتانیا قرار داشت. در انگلستان کانون وکلا با نام جامعه حقوقی^۱ در سال ۱۸۲۵ تأسیس شد. قوانین و مقرراتی که این نهاد حقوقی در حوزه وکالت وضع می‌کرد، تقریباً در همه مستعمرات از جمله نیوزیلند اجرا می‌شد. نیوزیلند تا سال ۱۸۶۹ میلادی کانون وکلای مستقلی از کانون وکلای بریتانیا نداشت. تا جایی که بیشتر وکلایی که در این کشور به امر وکالت اشتغال داشتند، از انگلستان به این سرزمین نقل مکان کرده بودند (Adlam, 2019: 20). در سال ۱۸۵۰ اولین دولت خودمختار نیوزیلند بنا نهاده شد. این موضوع بر مسائل حقوقی این کشور تأثیر نهاد و رفته‌رفته بذریه‌های استقلال حقوقی این کشور از بریتانیا را در آن رویاند. در ۳ سپتامبر ۱۸۶۹ مجلس نمایندگان نیوزیلند لایحه‌ای را با عنوان «قانون جامعه حقوقی نیوزیلند»^۲ به تصویب رساند. جامعه حقوقی به‌نوعی همان کانون وکلا به حساب می‌آید و قانون اخیرالذکر سند مؤسس کانون وکلای نیوزیلند است. هرچند یک سال پیش از تصویب قانون مزبور، کانون وکلایی در کریسچرچ^۳ مرکز استان کانتربری^۴ تأسیس شد، اما این کانون صلاحیت منطقه‌ای و محدود داشت؛ بنابراین، قانون جامعه حقوقی نیوزیلند را باید نخستین سند رسمی در خصوص کانون وکلای نیوزیلند دانست که در آن شخصیت حقوقی برای این نهاد در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۸۷۷ میلادی، دولت نیوزیلند تصمیم به اصلاح برخی مواد قانون جامعه حقوقی گرفت. در نهایت قانونی با نام «قانون جامعه حقوقی ۱۸۶۹ اصلاحی ۱۸۷۷» تصویب شد. در این قانون به اعضای جامعه حقوقی اجازه‌ای مبنی بر تأسیس کانون‌های وکلای منطقه‌ای داده شده بود. این قانون نیز با اصلاحیه‌های متعددی در سال‌های بعد مواجه شد تا اینکه در سال ۱۹۸۲ قانون «متخصصان حقوقی»^۵ توسط مجلس نیوزیلند-پس از دریافت تنفیذ سلطنتی^۶ - تصویب شد. این قانون ادامه حیات حقوقی کانون وکلا را تأیید کرد و کانون وکلا را نهادی متشکل از تمامی وکلایی که عضو کانون‌های وکلای منطقه‌ای هستند و همه وکلایی که موفق به دریافت گواهینامه وکالت^۷ شده‌اند، تعریف کر. پس از این قانون، قوانین دیگری نیز در حوزه وکالت در این کشور به تصویب رسید؛ از جمله «قانون کمیسیون حقوقی»^۸ که در سال ۱۹۸۵ به تصویب رسید. این قانون، سند مؤسس «کمیسیون حقوقی» به‌شمار می‌آید. این کمیسیون وظیفه بازبینی، اصلاح و توسعه قوانین نیوزیلند، از جمله قوانین و مقررات حوزه وکالت را بر عهده داشت. در اول مارس ۱۹۸۶ نیز قانونی مرتبط با وکالت با عنوان «قانون تجارت

1. Law Society
2. New Zealand Law Society's Act
3. Christchurch
4. Canterbury
5. Law Practitioners Act
6. Royal Assent
7. Practising Certificate
8. Law Commission Act

عادلانه^۱ تصویب شد که به مباحث اختلاف برانگیز مهمی در حوزه وکالت از جمله حق تبلیغ توسط وکلا پرداخت و به اختلافات در این باره پایان داد؛ اما پس از اینها، قانونی خاص در حوزه وکالت به نام «قانون وکلا (وکلائی عمومی) و وکلائی معاملات»^۲ در سال ۲۰۰۶ به تصویب مجلس نیوزیلند رسید که تحول عظیمی در نهاد وکالت این کشور ایجاد کرد.^۴ به دلیل اهمیت این قانون و نیز اینکه در حال حاضر، این قانون حاکم بر تمامی مشاغل و حرف حقوقی نیوزیلند است، در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

«قانون وکلا (وکلائی عمومی) و وکلائی معاملات» (از این پس به طور اختصاری، قانون وکلا) در ۲۰ مارس ۲۰۰۶ با دریافت تنفیذ سلطنتی به تصویب رسید. این قانون، گسترده ترین اصلاحات در حوزه تنظیم گری وکالت و به طور کلی حرف حقوقی را داشته است (Cox, 2009: 1) که اغلب با هدف حمایت از مصرف کنندگان^۵ خدمات حقوقی شکل گرفته است. به نظر برخی این قانون در پی تحقق و توسعه سه منفعت عمومی است: ۱. جلب اعتماد عمومی در زمینه شرایط ارائه خدمات حقوقی؛ ۲. حمایت از مصرف کنندگان خدمات حقوقی؛ ۳. تعیین وضعیت حرف حقوقی (Buckingham, 2012: 59). انحلال تمامی کانون های وکلائی منطقه ای و یکپارچه شدن نظام مقررات گذاری حوزه وکالت از آثار مهم این قانون به شمار می آید. پس از تصویب این قانون تقریباً تمام چهارده کانون وکلائی منطقه ای تصمیم گرفتند تا به عنوان شعبه ای از جامعه حقوقی مرکزی عمل کنند و استقلال سابق خود را کنار گذاشتند. به تبع با تصویب این قانون که حمایت از مصرف کنندگان خدمات حقوقی را به عنوان یکی از اهداف خود قرار داده است، نقش حاکمیت نیوزیلند برای پشتیبانی از حقوق افراد در برابر مشاغل حقوقی و کانون وکلا پررنگ می شود. برای نمونه هرچند اصل آزادی قراردادهای، سبب می شود موکل و وکیل، در انعقاد قرارداد و تعیین حق الوکاله با محدودیتی روبرو نباشند، اما این قانون به دلیل حمایت از مصرف کنندگان خدمات حقوقی، حق الوکاله وکلا را تحت نظارت مقامی دولتی یعنی «فرماندار کل»^۶ قرار داده است؛

1. Fair Trading Act

۲. وکلائی نقل و انتقال همان وکلائی هستند که در زمینه اثر گذاری و مستند سازی امور مربوط به معاملات فعالیت می کنند. این دسته از وکلا در کشورهای مشترک المنافع فعالیت می کنند.

3. Lawyers and Conveyancers Act 2006

۴. نظام حقوقی انگلستان به عنوان یکی از نظام های حقوق پیشرو، به دلیل نقص ها و ایراداتی که در زمینه ساختار حرفه وکالت و عملکرد برخی وکلا وجود داشت که اغلب ناشی از کمبودهای قانون وکلائی مصوب ۱۹۷۴ بود، قانونگذار این کشور تصمیم گرفت تا قانونی را در سال ۲۰۰۷ با عنوان «قانون خدمات حقوقی» تصویب کند تا منافع عمومی و حقوق مصرف کننده در این صنف بیشتر مورد توجه و رعایت قرار گیرد.

5. Consumers

6. Governor-General

۷. فرماندار کل یک مقام بلند پایه دولتی در کشورهای تحت سلطنت بریتانیاست. متصدی این مقام شخص اول مملکت و نماینده ملکه در آن کشور محسوب می شود. این مقام با دستور ملکه و پیشنهاد نخست وزیر منصوب می شود و مردم در

بنابراین در این قانون به دولت این کشور اجازه داده شده است تا به دلیل حمایت از مصرف کننده در مقابل ارائه دهنده خدمات حقوقی که وکلا بخش مهمی از آن هستند، در جزئی ترین و خصوصی ترین امور نهاد وکالت که تعیین دستمزد است، مداخله داشته باشد.^۱ بنابراین از لحاظ حقوقی، قانون مزبور همان طور که در ادامه خواهد آمد، دست دولت را برای مداخله در امور مربوط به نهاد وکالت باز گذاشته و اختیارات گسترده برای اعمال تنظیم گری در این حوزه به آن اعطا کرده است.

به نظر می رسد این مداخله ها هر چند با مخالفت برخی که منافعیشان با مداخله دولت به خطر می افتد روبه رو می شود، اما مطابق عقیده برخی صاحب نظران مداخله دولت در نهاد وکالت و تنظیم گری آن در کشورهای مختلف به کاهش هزینه خدمات، افزایش کیفیت و در نهایت ارتقای رضایت عمومی از این حرفه منجر شده است (Domberger, 1989: 55). همچنین از دیگر مزایای نظارت و تنظیم گری دولت در حرف حقوقی از جمله وکالت، می توان به رفع انحصار^۲ در این حوزه اشاره کرد. در ادامه نیز، رفع انحصار به رقابت بین صاحبان این مشاغل منجر خواهد شد. این موضوع یعنی نبود انحصار در حرف حقوقی، به مردم در «دسترسی به عدالت»^۳ کمک شایانی خواهد کرد. (Gordon, Mask & Terry, 2012: 2738)

۴. مؤلفه های تنظیم گری ساختار و تشکیلات نهاد وکالت

مؤلفه های دخالت دولت در تنظیم گری ساختار، تشکیلات و مصوبات قانون وکلای نیوزیلند واجد ابعاد شایان توجهی است که از جمله می توان به «نظارت جامع دولتی بر مقررده گذاری قانون وکلا» و «گزارش دهی قانون وکلا به نهادهای دولتی» اشاره کرد. در ادامه به تبیین و بررسی هریک از آنها می پردازیم.

۴.۱. نظارت جامع دولتی بر مقررده گذاری قانون وکلا

علی رغم تصور موجود، دولت نیوزیلند به خصوص با تصویب قانون وکلای ۲۰۰۶ مداخله وسیعی در امور مربوط به نهاد وکالت داشته، به عبارتی اعمال حاکمیت گسترده ای در این صنف به دلیل حمایت از مصرف کنندگان خدمات حقوقی دارد.^۴ در این کشور، قانون وکلا که با نام جامعه حقوقی شناخته می شود،

تعیین وی نقشی ندارند. فرماندار کل به نوعی نماینده سلطنت بریتانیا در نیوزیلند محسوب می شود و وظایف تشریفاتی و قانونی ملکه را در این کشور به انجام می رساند (<https://gg.govt.nz/governor-general>).

۱. این موضوع نیز در حقوق انگلستان نیز شایان توجه است. در این کشور به منظور تعیین تعرفه وکلا کمیته ای متشکل از مستشار عالی دولت، رئیس قوه قضاییه، رئیس قانون وکلا، یکی از اعضای هیأت خدمات حقوقی و یک وکیل به انتخاب مستشار عالی دولت تشکیل می شود. این هیأت نحوه محاسبه و دریافت حق الزحمه توسط وکلا را تعیین می کند.

2. Antitrust

3. Access to Justice

۴. در انگلستان نیز مقررات گذاری در حوزه وکالت در اختیار دو نهاد مختلف قرار دارد. به موجب قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷ این

مقررات و قواعدی - شبیه آنچه کانون وکلای ایران وضع می‌کند - برای وکلا وضع می‌کند؛ اما این مقررات به خودی خود حیات حقوقی ندارند و مطابق بند ۲ بخش ۱۰۰ قانون وکلا ۲۰۰۶ تمامی این مقررات باید به تأیید مقامی دولتی یعنی وزیر سلطنتی^۱، برسد.^۲ وزیر در تأیید یا رد این مصوبات باید معیارهایی را مورد توجه قرار دهد. بخش «۱۰۱»^۳ به تبیین این معیارها پرداخته است:

۱. وضع و اجرای قوانین باید همراستا با تعهدات مبنایی و بنیادین وکلا باشد و در صورتی که این ویژگی را نداشته باشد، وزیر می‌تواند وضع و اجرای آن قاعده را متوقف سازد؛

۲. مؤلفه دیگری که شخص وزیر باید در تأیید مقررات وکالت در نظر داشته باشد، «منافع خدمات‌گیرندگان»^۴ است و بر این اساس می‌تواند وظایف یا محدودیت‌هایی را نسبت به وکلا و قاعده‌گذاری آنان اعمال کند؛

۳. وزیر در تأیید مقررات مربوط باید توازن میان بار مسئولیت و منفعتی را که می‌تواند ناشی از آن مسئولیت حاصل شود، در نظر داشته باشد؛

۴. هماهنگی قواعد وضع شده با تعهدات بین‌المللی نیوزیلند، معیار دیگری است که وزیر در تعدیل

کشور، هیأت خدمات حقوقی که یک نهاد دولتی است، از اختیار قانونگذاری برای تمامی نهادهای ارائه‌دهنده خدمات حقوقی از جمله کانون‌های وکلا برخوردار است. علاوه بر این، به موجب قانون وکلا مصوب ۱۹۷۴، خود کانون وکلا نیز اختیار وضع مقررات برای امورات راجع به وکالت را دارد. برای مثال کانون وکلا می‌تواند مقرراتی در خصوص عملکرد حرفه‌ای، رفتار، تناسب برای وکالت و نظم و انضباط وکلا وضع کند. بدیهی است هیأت خدمات حقوقی که یک نهاد دولتی است، بر وضع مقررات توسط کانون نظارت می‌کند؛ بنابراین، کانون وکلا در وضع مقررات در زمینه حرفه وکالت اختیار مطلق ندارد.

1. Crown Minister

۲. قانون وکلا در فصل اول بخش ششم منظور از وزیر را وزیر سلطنتی بیان کرده است. مطابق این بخش، دولت نیوزیلند موظف است چنین شخصی را برای اجرای (administration) این قانون منصوب کند. این شخص تمام اختیارات نخست‌وزیر را در خصوص اجرای این قانون دارد و مسئولیت اصلی اجرای این قانون با وی است.

3. The Minister must, in deciding whether to approve any practice rules, have regard, among other things, to

- (a) the fundamental obligations of the practitioners to whom the practice rules relate
- (b) the principle that it may be necessary or expedient to impose duties or restrictions on practitioners in order to protect the interests of consumers
- (c) the principle that the burden of a duty or restriction should be proportionate to the benefits that are expected to result from the imposition of the duty or restriction
- (d) the consistency of the rules with New Zealand's international obligations
- (e) the provisions of this Act and all rights and obligations of practitioners under the law

4. Interest consumers

5. section 101 / paragraph (c). the burden of a duty or restriction should be proportionate to the benefits that are expected to result from the imposition of the duty or restriction

مقررات جامعه حقوقی نیوزیلند، باید در نظر داشته باشد؛

۵ در نهایت معیار آخری که وزیر به عنوان پالایشگر قواعد باید در نظر داشته باشد، الزامات و وظایفی است که قانون وکلای نیوزیلند مصوب ۲۰۰۶ وضع کرده است و تمامی مقررات دیگر باید در چارچوب آن وضع شوند.

همچنین این نظارت که نوعی نظارت استصوابی به نظر می‌رسد، تنها به تأیید اولیه محدود نمی‌شود و طبق بخش ۱۰۴ قانون وکلا ۲۰۰۶ وزیر این صلاحیت را دارد تا در صورت تشخیص نقص^۱ در مقررات مصوب قانون وکلا- هرچند سابقاً به تأیید این مقام رسیده است- اصلاحات لازم را اعمال کند. از سوی دیگر، قانون وکلا، خود، هرگاه قصد اصلاح مقررات موجود را داشته باشد، این اصلاحات نیز از نظارت وزیر مصون نیست و مطابق بخش ۱۰۳ قانون وکلا، این اصلاحات هم باید با تأیید این مقام همراه باشد. مقام دولتی دیگری که صلاحیت وضع مقررات در این حوزه را دارد، فرماندار کل است. این مقام دولتی بلندپایه نیز مطابق بخش ۱۰۸ قانون وکلا، صلاحیت وضع مقررات برای وکلا و به طور کلی شاغلان حرف حقوقی را دارد. بدین ترتیب نظارت بر همه مقررات وضع شده توسط قانون وکلا با نظارت دولتی مواجه بوده و به نحوی می‌توان گفت، وزیر به عنوان نماینده دولت، به عنوان یک رکن نظارتی، چتر نظارت جامعی را بر مصوبات قانون وکلا دارد.^۲ از این رو این گزاره که هیچ مقرره‌ای در حوزه وکالت نیوزیلند بدون تأیید دولت این کشور الزامی برای وکلا ایجاد نمی‌کند، به هیچ روی ادعایی بی‌اساس نیست.

۲.۴. گزارش‌دهی قانون وکلا به نهادهای دولتی

یکی از مسائل مهم دیگر در خصوص نظارت بر تشکیلات وکالت در کشور نیوزیلند، سلسله‌مراتب و مقاماتی است که می‌توانند در این خصوص بر وکلا نظارت داشته باشند. مطابق بخش ۷۶ قانون وکلای نیوزیلند^۳، قانون وکلای نیوزیلند هر ساله باید تا پیش از ۳۰ ژوئن گزارش عملکرد یکساله خود را تقدیم

1. Deficiency

۲. به موجب قانون خدمات حقوقی ۲۰۰۷، این الزام قانونی وجود دارد که گزارش‌های متعددی از سوی قانون‌های وکلا به هیأت خدمات حقوقی ارسال شود. این تکلیف در قانون وکلا بر عهده «مرجع تنظیم وکلا» قرار دارد که گزارش سالانه به هیأت خدمات حقوقی ارسال می‌کند. علاوه بر این، آموذمان نیز هرگونه تخلفات قانون وکلا را به هیأت خدمات حقوقی ارسال می‌کند تا رسیدگی و نتایج آن منتشر شود.

3. The New Zealand Law Society must, as soon as practicable after the end of each year ending with 30 June, furnish to the Minister a report on the exercise of its regulatory functions and powers during that year. The report must include financial statements in relation to the exercise of those functions and powers. The Minister must present a copy of the report to the House of Representatives as soon as practicable after its receipt by the Minister.

وزیر سلطنتی کند. طبق این بخش، وزیر نیز موظف است این گزارش و همچنین مستندات خود در این باره را به مجلس نمایندگان ارائه کند.

چنانکه ملاحظه می‌شود دو مقام و جایگاه نظارتی به صورت سلسله‌مراتبی برای نظارت بر امور وکلا در نظر گرفته شده است. از سویی وزیر به عنوان مقام مافوق کانون وکلای نیوزیلند، بر امور این نهاد نظارت دارد و در مرحله بعد، مجلس نمایندگان نیز از طریق گزارشی که قسمتی از آن توسط کانون وکلا و بخش دیگر توسط وزیر تهیه می‌شود، از عملکرد این کانون اطلاع می‌یابد و می‌تواند بر این اساس نظارت خود را اعمال کند.^۱

۵. مؤلفه‌های تنظیم‌گری نحوه ورود به حرفه وکالت

دولت نیوزیلند در مرحله ورود به حرفه وکالت نیز مداخله دارد. نمونه‌هایی چون «تعیین شرایط تصدی وکالت»، «آموزش و تربیت وکلا» و «مداخله در تنظیم اسامی مندرج در فهرست وکلا» از مصادیق آن به‌شمار می‌آیند که در ادامه بررسی می‌شود.

۵.۱. تعیین شرایط تصدی وکالت

در نیوزیلند، هر شخصی که قصد ورود به حرفه وکالت را داشته باشد، ابتدائاً باید به عنوان وکیل پذیرش شود و شرایط مربوط به این شغل در مورد وی احراز شود. در ادامه نیز برای اینکه شخصی بتواند ردای وکالت بر تن کند، باید نامش در فهرستی که توسط کانون وکلا در روزنامه رسمی^۲ این کشور به چاپ می‌رسد، اعلام شود.^۳ پس از این در وهله پایانی، فرد متقاضی، باید گواهینامه‌ای که حاکی از اجازه کانون وکلا و به تبع آن دولت به شخص متقاضی برای اشتغال در وکالت است، دریافت کند. البته کانون وکلا مطابق بخش ۴۱ قانون وکلا در اعطای این پروانه به بررسی صلاحیت فرد برای این حرفه از جمله صلاحیت اخلاقی (عدم سوءپیشینه کیفری)، علمی و حتی جسمی و روانی می‌پردازد. نکته جالب توجه صلاحیتی است که این قانون به دیوان عالی این کشور در بررسی صلاحیت اشخاصی که قرار است به عنوان وکیل (باریستر و سولیسیتور دیوان عالی)^۴ پذیرفته شوند، اعطا کرده است.^۱ مطابق بخش ۵۵

۱. در این باره، یعنی ارائه گزارش کانون وکلا در خصوص عملکرد خود به نهادهای دولتی چنین مقرره‌ای در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است.

2. Gazette

۳. چنین فهرستی نیز در نظام حقوقی انگلستان مشاهده می‌شود. تصمیمات کانون وکلا در خصوص عدم درج نام متقاضیان در فهرست وکلا و همچنین در زمینه میزان هزینه‌هایی که کانون وکلا از شخص متقاضی مطالبه می‌کند و یا شروطی که کانون وکلا برای پذیرش شخص متقاضی عنوان می‌کند، قابل اعتراض در دادگاه عالی است.

4. Barrister and Solicitor of High Court

قانون وکلا، دیوان عالی می‌تواند هر اقدام مرتبط با احراز صلاحیت از جمله تحقیق و بررسی درباره شخصیت فرد، بررسی پیشینه کیفری فرد مبنی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم در این کشور یا خارج از آن و مسائل دیگری که در این بخش قانون به آن اشاره شده است، انجام دهد. پس از طی این مراحل شخص به‌عنوان وکیل رسمی و قانونی در نیوزیلند مجوز اشتغال وکالت را دارد. در این مورد باید گفت که برای اشتغال به وکالت در این کشور ظرفیت مشخصی پیش‌بینی نشده است و هر تعداد فرد علاقه‌مند پس از گذراندن دوره‌های لازم و کسب شرایط قانونی برای این حرفه، می‌توانند به کسوت وکالت درآیند. این موضوع سبب افزایش سرانه تعداد وکلا به نسبت جمعیت در نیوزیلند شده است، به‌نحوی که به ازای هر ۳۲۹ نفر یک وکیل در این کشور به حرفه وکالت می‌پردازد (Barnett, 2021: 36).

۵.۲. تعیین مفاد و برگزاری دوره‌های آموزش و تربیت وکلا

مطابق بخش ۲۷۳ قانون وکلا، سیاست‌گذاری در زمینه آموزش و تربیت وکلا به نهادهای به نام «شورای آموزش حقوقی نیوزیلند»^۲ سپرده شده است. تأسیس این شورا در «قانون متخصصان حقوقی ۱۹۸۲» پیش‌بینی شده بود و با تصویب قانون وکلا ۲۰۰۶ ادامه یافت. این شورا موظف است مقررات آموزشی و تمامی صلاحیت‌های مربوط به ورود به حرفه وکالت و همچنین در طول دوره وکالت را برای افراد متقاضی این شغل تعریف کند. البته در این باره، شورای آموزشی با شورای کانون وکلا مشورت‌های لازم را خواهد داشت؛^۳ هرچند نظر کانون، صرفاً مشورتی است. مطابق بخش ۲۷۴ قانون وکلا ۲۰۰۶ این شورا وظیفه دارد تا دوره‌های کارآموزی^۴ را برای متقاضیان برگزار کند. طول این دوره‌ها به صلاحدید این شورا تعیین می‌شود و بازه از پیش تعیین‌شده ندارد. در طول دوره، آموزش‌های حقوقی لازم به کارآموزان داده می‌شود. شرکت در این دوره‌ها برای افراد متقاضی الزامی است. شایان ذکر است که پس از پایان دوره

۱. منظور از این عناوین همان شاغلان حرفه وکالت هستند، به یک معنا می‌توان گفت شغلی که در کشورهای پیرو نظام حقوق رومی-ژرمنی از جمله ایران با نام وکیل دادگستری شناخته می‌شود، در حقوق انگلستان به دو شغل باریستر و سلیستر تقسیم شده است.

شغل سلیستر علاوه بر انگلستان در کشورهایی چون ایرلند، هنگ‌کنگ و برخی ایالت‌های استرالیا هم دیده می‌شود. در آفریقای جنوبی نیز این پیشه وجود دارد، اما با نام اتورنی (Attorney) شناخته می‌شود. در کانادا، نیوزیلند و بیشتر ایالت‌های استرالیا وظایف باریستر و سلیستر ادغام شده و وکلا می‌توانند هم باریستر و هم سلیستر باشند، درست شبیه آنچه در تابلوی دفاتر وکالت وکلا در ایران دیده می‌شود که نوشته شده است وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی.

2. New Zealand Council of Legal Education

۳. شورای کانون وکلا نهادی است که در ایران معادل هیأت مدیره کانون وکلا به حساب می‌آید.

4. Courses of Study

کارآموزی، شورا، یک آزمون علمی - که در ایران با نام «آختبار» شناخته می‌شود - برگزار می‌کند. از دیگر وظایف این شورا می‌توان به ارائه توصیه‌های لازم به دانشگاه‌ها درباره آموزش‌های حقوقی اشاره کرد. اما از مهم‌ترین موضوع‌های مداخله دولت در این شورا می‌توان به ترکیب اعضای این شورا اشاره کرد. بر اساس بخش ۲۸۲ قانون وکلا مصوب ۲۰۰۶ اعضای شورای آموزش حقوقی به صورت ذیل تعیین می‌شوند:

۱. دو تن از قضات دیوان عالی که توسط رئیس دیوان عالی پیشنهاد می‌شوند؛ ۲. یک تن از قضات دادگاه‌های بدوی که توسط رئیس دادگستری آن حوزه قضایی پیشنهاد می‌شود؛ ۳. پنج عضو که توسط شورای کانون وکلای نیوزیلند پیشنهاد می‌شوند؛ ۴. رئیس دانشکده حقوق دانشگاه‌های اوکلند^۱، وایکاتو^۲، ویکتوریا و ولینگتون^۳، کانترباری^۴ و اوتاگو^۵؛ ۵. یک عضو با تعیین اتحادیه انجمن‌های دانشجویان حقوق؛ ۶. یک عضو که با پیشنهاد وزارت دادگستری انتخاب می‌شود (این عضو نباید وکیل یا دانشجوی رشته حقوق باشد)؛ ۷. یک عضو نیز توسط خود شورا پیشنهاد می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر اعضای این شورا مقامات قضایی و دولتی‌اند؛ اما موضوع مهم‌تر نحوه انتخاب این اعضاست که با مداخله مقامی عالی‌رتبه دولتی، یعنی فرماندار کل صورت می‌پذیرد. این مقام همگی اعضای شورا (به جز رؤسای دانشگاه‌ها) را پس از مشورت با دادستان کل^۶ به عضویت این شورا منتصب می‌کند. این شورا دست کم هر سال یک‌بار در مکانی که ریاست این شورا تعیین می‌کند، تشکیل جلسه می‌دهد. حد نصاب اعضا برای تشکیل جلسه هشت نفر است. در آخر باید به این نکته نیز اشاره کرد که شورای مزبور گاه‌به‌گاه (بدون تعیین تاریخی مشخص) گزارشی به وزیر ارائه می‌دهد که مرتبط با موضوع آموزش‌های حقوقی خواهد بود. هزینه‌های مربوط به این شورا نیز از محل مالیاتی خاص که وکلا به کانون وکلا پرداخت می‌کنند، تأمین می‌شود. این مبلغ را شورای کانون وکلا پس از شور در این باره مشخص می‌کند. این مبلغ از پنج درصد حق عضویت سالانه‌ای که وکلا به کانون پرداخت می‌کنند، فراتر نمی‌رود. نکته شایان ذکر درباره مالیات اشاره شده، مداخله وزیر سلطنتی در مبلغ مورد اشاره است. وزیر مطابق بند ۴ بخش ۲۷۷ قانون وکلا این اختیار را دارد تا در صورت عدم کفاف مالیات وضع شده برای هزینه‌های شورای آموزشی، مبلغ مالیات را افزایش دهد. تا جایی که این مقام اختیار عبور از سقف تعیین شده در فوق (پنج درصد حق عضویت) را داراست.^۷

1. Auckland

2. Waikato

3. Victoria University of Wellington

4. Canterbury

5. Otago

6. Attorney General

۷. در حقوق ایران دولت مداخله ویژه‌ای و محسوسی در زمینه آموزش وکلا ندارد. کارآموزان وکالت پس از قبولی در آزمون مربوط، پیرو ماده ۳۶ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلا باید در دادسرا یا دادگاه حاضر و تعلیماتی را از قاضی

۵.۳. دخالت در تنظیم فهرست اسامی وکلا

کانون وکلای نیوزیلند، موظف است فهرستی^۱ از اسامی وکلا اعلام کند. همان‌طور که اشاره شد، افراد مراحل مختلفی را برای ورود به حرفه وکالت طی می‌کنند. از جمله این مراحل، درخواست ثبت‌نام به‌عنوان وکیل است. دیوان عالی نیوزیلند مطابق بخش ۵۷ قانون وکلا ۲۰۰۶ این اختیار را دارد تا پس از درخواست فرد متقاضی و تأیید این درخواست از سوی این مرجع عالی قضایی و همچنین پرداخت هزینه‌های پذیرش از سوی فرد، دستور ثبت‌نام وی را به‌عنوان وکیل به مرجع ثبت اسامی وکلا صادر می‌کند.

۶. مؤلفه‌های تنظیم‌گری دوران تصدی حرفه وکالت

در این قسمت مؤلفه‌های مداخله دولت هنگام تصدی وکالت از سوی وکلا بررسی می‌شود. این مداخله ابعاد مختلفی از جمله «تشکیل دادگاه انتظامی وکلا و رسیدگی به تخلفات ایشان»، «وظایف و اختیارات مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی»^۲، «صلاحیت و اختیارات کمیته استاندارد وکلای نیوزیلند»، «نظارت و واریسی میزان حق الوکاله‌های وکلا»، «نظام دریافت مالیات از وکلا» و همچنین «مداخله دولت در تعیین حق عضویت و تمدید پروانه وکالت» دارد که به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

۶.۱. نظام رسیدگی به تخلفات و جرائم ارتكابی وکلا

نظام رسیدگی به تخلفات و جرائم شغلی وکلا و شکایت علیه این صنف در نیوزیلند یک نظام خاص و نسبتاً منحصر به فرد است. به‌نحوی که هرچند در موارد بسیاری شباهت‌هایی بین قوانین و مقررات حوزه وکالت در انگلستان و نیوزیلند دیده می‌شود، اما در بحث اخیر تفاوت‌های بارزی بین این دو نظام حقوقی وجود دارد. در این کشور، دادگاه انتظامی مرجع منحصر صالح برای رسیدگی به تخلفات وکلا و همچنین شکایات علیه آنها نیست. کمیته استاندارد، مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی و دیوان عالی نیوزیلند نیز بخشی از این نظام دادرسی به‌شمار می‌آیند.^۳

بیاموزند. شاید بتوان حضور ایشان در مرجع قضایی اعم از دادسرا یا دادگاه که یک نهاد دولتی تلقی می‌شوند، نوعی مداخله دولت در امر آموزش وکلا تلقی کرد.

1. Roll

2. Legal Complaints Review Officer

۳. در سال ۱۸۳۴، کانون وکلای انگلستان برای نخستین بار، تعقیب وکلای دارای سوء رفتار حرفه‌ای را به جریان انداخت. در سال ۱۹۰۷، این کانون برای اولین بار، یک کمیته انضباطی (Disciplinary Committee) را تشکیل داد که اختیار بررسی حساب‌های وکلا را داشت و می‌توانست پروانه وکالت وکلا را به‌صورت سالانه تمدید کند. پس‌از آن و در سال ۱۹۸۳، این کانون، اداره نظارت بر وکلا (Office for the Supervision of Solicitors) را تأسیس کرد تا به شکایات

۶.۱.۱. کمیته استاندارد

با استناد به بخش ۱۲۶ قانون وکلا مصوب ۲۰۰۶، جامعه حقوقی نیوزیلند باید اقدام به تأسیس کمیته‌های استاندارد، به‌عنوان بخشی از سرویس دادخواهی کند. جامعه حقوقی پس از تعیین هر شخصی به‌عنوان عضوی از کمیته استاندارد، موظف است ظرف ۲۱ روز، جزئیات این انتصاب را به شخص وزیر سلطنتی برساند (بخش ۱۲۸ قانون وکلا).

هر کمیته استاندارد متشکل از سه عضو است. از این سه عضو، یک عضو غیرحقوقی^۱ است و دو عضو دیگر تخصص لازم را در زمینه صلاحیت محول‌شده به کمیته استاندارد موردنظر دارند. به‌طور کلی شرایط مربوط به اعضای هر کمیته استاندارد، در قوانین مربوط به تأسیس هر کمیته استاندارد مشخص می‌شود (بخش ۱۲۹ قانون وکلا). این کمیته‌ها وظایف متعددی دارند که در بخش ۱۲۹ قانون وکلا به آنها اشاره شده است. از جمله مهم‌ترین این وظایف می‌توان به رسیدگی و تحقیق درباره شکایات علیه وکلا، وکلای معاملات، وکلای پیشین یا مؤسسات حقوقی حاضر یا پیشین اشاره کرد. این نهاد به‌همراه جامعه حقوقی نیوزیلند، این اختیار را دارد که اقدام به تعیین مقام تحقیق^۲ کند (بخش ۱۴۴ قانون وکلا). این اشخاص صلاحیت تحقیق درباره موضوعات و شکایاتی که به کمیته استاندارد ارجاع می‌شود، دارند. همچنین این اشخاص و یا خود کمیته استاندارد حق دارند اقدامات لازم را در خصوص شکایات مطرح‌شده از جمله بررسی اوراق، اسناد، مدارک و... را اعمال کنند. پس از انجام تحقیقات در خصوص شکایات، این مقامات تحقیق گزارشی درباره موضوع به‌طور محرمانه به کمیته استاندارد ارائه می‌دهند. کمیته استاندارد نیز در گزارش خود پیش از رسیدگی به تخلف وکیل یا مؤسسه حقوقی در دادگاه عالی یا دادگاه انتظامی به گزارش مقام تحقیق به‌عنوان یک دلیل می‌تواند اشاره کند (بخش ۱۴۸ قانون وکلا). اگر شکایت مطرح‌شده علیه وکیل در صلاحیت دادگاه انتظامی باشد، کمیته مزبور، اتهام مناسب را تعیین و پرونده را برای ریاست دادگاه انتظامی ارسال می‌کند. مستند به بخش ۱۵۵ قانون وکلا اگر پیش از رسیدگی دادگاه انتظامی، کمیته استاندارد اتهامی را علیه وکیل مطرح کند از دادگاه انتظامی درخواست تعلیق وکیل را می‌کند. کمیته استاندارد صلاحیت دارد تا وکیل را در صورت انجام فعل یا ترک فعلی که منتهی به ضرر دیگری شده است به پرداخت غرامت محکوم کند. به‌علاوه می‌تواند در صورت لزوم مطابق بخش ۱۵۶ قانون وکلا مصوب ۲۰۰۶ وکیل و یا وکیل پیشین را به توبیخ، کاهش دریافتی، لغو دریافتی و عذرخواهی از شاکی، جبران خساراتی که به شاکی - که در بیشتر موارد موکل سابق وکیل

علیه وکلا رسیدگی کند. هم‌اکنون، شکایات از رفتار وکلا در یک رکن نظارتی به نام «مرجع تنظیم وکلا» (Solicitors Regulation Authority) رسیدگی می‌شود.

1. Lay Member
2. Investigator

خاطی است- محکوم کند. همچنین در مواردی که امکان اصلاح و جبران اشتباه^۱ یا غفلت^۲ برای وکیل یا وکیل پیشین وجود دارد، کمیته استاندارد صلاحیت دارد تا وکیل یا وکیل پیشین خاطی را به جبران و اصلاح خطای خود وادار کند. در صورت عدم امکان اصلاح و جبران خطا، کمیته مزبور این اختیار را دارد تا شخص خاطی را به جزای نقدی محکوم کند. میزان این جزای نقدی از ۱۵۰۰۰ دلار فراتر نخواهد رفت. پس از اتخاذ تصمیم از سوی کمیته استاندارد در خصوص شکایت وصول شده، تصمیم نهایی به طرفین مرتبط با پرونده ابلاغ می‌شود.

۶.۱.۲. مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی

فصل هفتم قانون مزبور که با عنوان شکایات و انتظامات نام گذاری شده، نهادی را تحت عنوان «مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی» پیش‌بینی کرده است. با امان نظر به بخش ۱۵۸ قانون وکلا، این مقام، مرجع تجدیدنظرخواهی از آرا و تحقیقات کمیته استاندارد به حساب می‌آید. انتصاب شخص واجد شرایط به این مقام به وزیر سپرده شده و نقش قانون وکلا در این انتصاب صرفاً به ارائه نظر مشورتی به وزیر محدود می‌شود و نظر این نهاد الزامی را برای وزیر مذکور ایجاد نمی‌کند. مأمور تجدیدنظر نباید وکیل باشد و مدت مأموریت وی پنج سال است که انتخاب مجدد وی مجاز است. این مرجع یک مرجع رسیدگی‌کننده مستقل به حساب می‌آید و در صورتی که یکی از طرفین دعوا، به آرای کمیته استاندارد معترض باشند، این اعتراض را به این مأمور تقدیم می‌کنند. نحوه تجدیدنظرخواهی نزد این مقام را معاون اجرایی وزارت دادگستری پس از مشورت با خود مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی به تصویب می‌رساند (بخش ۱۹۸ قانون وکلا). پس از وصول تجدیدنظرخواهی به این مرجع و بررسی نظر کمیته استاندارد، رأی مأمور می‌تواند تأیید، اصلاح و یا نقض تصمیم کمیته استاندارد باشد. همچنین مأمور تجدیدنظر مطابق بخش ۲۰۹ قانون وکلا این اختیار را دارد تا به کمیته استاندارد دستوری مبنی بر اینکه این کمیته در رأی اصداری خود تجدیدنظر کند، صادر کند. شخص معترض در طول سی روز پس از ابلاغ تصمیم کمیته استاندارد می‌تواند اعتراض خود را به مأمور تجدیدنظر تقدیم کند. اگر رأی مأمور دال بر پرداخت وجه به عنوان غرامت، جریمه، مجازات و... باشد، اجرای رأی از طریق دادگاه صورت می‌گیرد و مبالغ مورد حکم از طریق دادگستری پرداخت می‌شود. در صورتی که میزان مبلغ محکومیت بیش از سی و پنج هزار دلار نباشد، دادگاه بدوی صالح است و اگر بیش از این مبلغ باشد در صلاحیت دیوان عالی است (بخش ۲۱۴ قانون وکلا).

مخارج مربوط به این مرجع از محل مالیاتی که از قانون وکلا دریافت می‌شود، تأمین می‌شود. قانون

1. Error
2. Omission

برای دریافت این مالیات به وکلا رجوع می‌کند. این مرجع استیناف موظف است هر ساله گزارشی از عملکرد خود به وزیر سلطنتی ارائه کند. وزیر نیز این گزارش را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مجلس نمایندگان تقدیم می‌کند.

۳.۱.۶. دادگاه انتظامی وکلا

به منظور رسیدگی و تجدیدنظر از آرای که از سوی کمیته‌ی استاندارد و یا مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی مبنی بر محکومیت وکیل به تعلیق یا جزای نقدی صادر می‌شود دادگاه انتظامی تشکیل می‌شود^۱ (بخش ۲۲۷). اعضای دادگاه انتظامی متشکل از: ۱. یک رئیس دادگاه؛ ۲. معاون رئیس (مستشار)؛ ۳. هفت تا پانزده عضو غیرحقوقی (اشخاصی که وکیل نیستند و سابقه وکالت ندارند)؛ ۴. هفت تا پانزده عضو که وکیل هستند؛ ۵. سه تا پنج عضو که وکیل نقل و انتقال هستند (بخش ۲۲۸ قانون وکلا).

رئیس دادگاه و عضو معاون باید سابقه قضایی داشته و در زمان انتصاب شاغل در امر وکالت نباشند و سابق از این، دست کم هفت سال سابقه وکالت داشته باشند (بخش ۲۳۰ قانون وکلا). این دو عضو باید توسط فرماندار کل و با پیشنهاد وزیر تعیین شوند (بخش ۲۳۰ قانون وکلا). دسته سوم از اعضای دادگاه انتظامی یعنی اعضای غیرحقوقی توسط فرماندار کل، با پیشنهاد وزیر پس از مشورت وزیر با شورای جامعه حقوقی وکلای نیوزیلند، شورای جامعه حقوقی وکلای نقل و انتقال (معاملات)^۲، رئیس دادگاه انتظامی وکلا، تعیین می‌شوند (بخش ۲۳۳ قانون وکلا). اعضای دادگاه انتظامی که شاغل به وکالت هستند نیز توسط جامعه حقوقی نیوزیلند منصوب می‌شوند. وکلای معاملات نیز که قرار است عضو دادگاه انتظامی وکلا باشند، توسط جامعه حقوقی وکلای نقل و انتقال (معاملات) تعیین می‌شوند. مدت زمان عضویت در دادگاه انتظامی مزبور برای هریک از اعضا پنج سال است. در صورتی که هریک از اعضای دادگاه انتظامی به جهاتی از جمله بیماری و غیبت و ... از حضور در جلسات ناتوان شوند یا اینکه شاخص‌های مطلوب برای رسیدگی به موضوع موردنظر را نداشته باشند، فرماندار کل با پیشنهاد وزیر مبادرت به تعیین عضو جایگزین می‌کند. وزیر پیش از ارائه پیشنهاد به فرماندار کل باید با رئیس دادگاه انتظامی، جامعه حقوقی نیوزیلند و جامعه حقوقی وکلای معاملات مشورت کند. دادگاه انتظامی وکلا تمام اختیاراتی را که کمیته استاندارد ذیل بخش ۱۵۶ قانون وکلا دارد را در اختیار دارد و می‌تواند وکیل را به پرداخت جریمه، محرومیت از حقوق و دستمزد یا کاهش آن، پرداخت غرامت از سوی وکیل، جبران

۱. قانون وکلا در ایران، در زمینه رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا کاملاً مستقل از دولت است. اعضای دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا همگی وکیل هستند و شخص غیر وکیل در این نهادها حق عضویت ندارد. دولت در این زمینه هیچ نقشی ندارد (مواد ۵۳ و ۵۴ قانون لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۴).

2. The Council of the New Zealand Society of Conveyancers

خسارت هایی که وارد کرده است و تمامی موارد ذکر شده در بخش مزبور محکوم کند. همچنین این دادگاه می تواند در مورد وکیل متخلف مجازات منع اشتغال به وکالت و در صورتی که وکیل معاملات باشد به لغو ثبت نام وی به عنوان وکیل معاملات اقدام کند. همچنین این دادگاه می تواند وکلا را تعلیق نماید که مدت آن از سی و شش ماه فراتر نخواهد رفت. در موردی که وکیل به پرداخت جزای نقدی به حساب جامعه حقوقی نیویورک محکوم شده باشد، این مبلغ از سی هزار دلار فراتر نخواهد رفت (بخش ۲۴۲ قانون وکلا). مطابق بخش ۲۵۹ قانون وکلا، دادگاه انتظامی باید هر سال گزارش سالانه ای از عملکرد خود برابر این قانون به جامعه حقوقی نیویورک، جامعه حقوقی وکلای معاملات و وزیر ارائه دهد. وزیر نیز پس از دریافت گزارش مذکور موظف است رونوشتی از آن به نمایندگان مجلس تقدیم کند. مرجع تجدیدنظرخواهی نسبت به تصمیمات دادگاه انتظامی وکلا، دیوان عالی است (بخش ۲۵۳ قانون وکلا).

یکی از مسائل شایان توجه و مهم در خصوص رسیدگی به تخلفات و جرائم جامعه وکلا موضوع «مصونیت» وکلاست که لازم است در این زمینه کشور نیویورک را بررسی کنیم. این مصونیت پیشتر امری قابل توجه بوده، به نحوی که وکلا این امکان را داشتند که در دعاوی مختلف بدان استناد کنند، اما با آرای مختلفی که مراجع قضایی بالادستی نیویورک صادر کرده اند، این مصونیت لغو شده است. مسئله چنین است که در آرای متعدد صادر شده از دادگاه عالی و همچنین دادگاه تجدیدنظر ملاحظه می شود، با اشاره به «پایان مصونیت» و بر اساس این امر در زمینه دادرسی علیه وکلا ورود کرده و احکامی را صادر کرده اند. برای مثال در پرونده «موی علیه پتمن اسمیت»^۱ که توسط مجلس اعیان رأی آن صادر می شود بیان شده است: «منافع عمومی ایجاب نمی کند که وکیل در مقابل سهل انگاری اش مصون از رسیدگی باشد، اما از سوی همین منافع عمومی نمی خواهد این رسیدگی به شکلی باشد که استقلال وکیل در نحوه رسیدگی به فرایند قضایی را خفه کند».^۲

بر این اساس است که ملاحظه می شود مرجع بالادستی قضایی با توجه به جوانب امر دادگاه حکم به رسیدگی علیه وکیل می دهد.

با توجه به توضیحات اخیر، مداخله دولت نیویورک در نهاد وکالت به خصوص در زمینه دادرسی های انتظامی پررنگ است. انتخاب رئیس و معاون رئیس دادگاه انتظامی و اعضای غیرحقوقی به عهده یک مقام کاملاً دولتی، یعنی فرماندار کل محول شده است. نکته مهم این است که حتی این سه عضو را وزیر سلطنتی به فرماندار کل پیشنهاد می کند. وزیر سلطنتی نیز یک مقام بلندپایه دولتی تلقی می شود.

1. Moy v Pettman Smith, House of Lords, 3 February 2005.

2. Public interest did not request that advocates be immune from claims for negligence but it did require that the application of the principal should not stifle advocates independence of mind as to the manner in which they conducted litigation and gave advice.

حتی در امور جزئی انتصاب‌های اعضای دادگاه‌های انتظامی نیز مداخله دولت مشاهده می‌شود. برای مثال در صورت غیبت هریک از اعضا، به هر دلیلی، فرماندار کل پس از مشورت با وزیر مبادرت به تعیین عضو جایگزین می‌کند. مضافاً تمامی اموری که در صلاحیت دادگاه انتظامی است، در قانون مورد بحث ذکر شده و این امر در اختیار جامعه حقوقی یا به‌طور کلی صنف وکلا قرار نگرفته است. حتی برخلاف برخی دیگر کشورها، در نیوزیلند اعضای دادگاه انتظامی تنها وکلا نیستند. نکته دیگر درباره دخالت دولت نیوزیلند در نهاد وکالت به‌خصوص در امر دادرسی انتظامی وکلا، گزارشی است که هرساله دادگاه انتظامی به برخی نهادها ارائه می‌دهد. یکی از این نهادها که در این بخش به آن اشاره شده است، وزیر سلطنتی است. پرواضح است که وزیر سلطنتی یک مقام دولتی است و خود این امر نوعی مداخله محسوب می‌شود. دیوان عالی نیوزیلند نیز در امر دادرسی انتظامی بی‌مسئولیت تلقی نشده و به‌عنوان مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه انتظامی وکلا تعیین شده است. با توجه به این موضوع که دیوان عالی بخش مهمی از دستگاه قضایی دولت هر کشور از جمله نیوزیلند تلقی می‌شود، تجدیدنظرخواهی نزد این مرجع نوعی دخالت حاکمیت به‌شمار می‌آید.

۲.۶. نظارت‌های مالی دولت بر وکلا

دریافت مالیات از وکلا در نظام وکالت نیوزیلند ساختاری ویژه دارد. در این کشور وکلا هزینه‌های مختلفی تحت عناوین متفاوت به دولت و قانون وکلا پرداخت می‌کنند. همچنین دولت نظارت‌های لازم را بر قراردادهای خصوصی بین وکلا و موکلان آنها دارد. در این بخش به هزینه‌ها و مالیاتی که وکلا به نهادهای مختلف می‌پردازند و به‌طور کلی نظارت‌های مالی مختلفی که از سوی دولت بر وکلا و قانون وکلا اعمال می‌گردد، پرداخته می‌شود.

۲.۶.۱. پرداخت مالیات وکلا

یکی از اقسام مالیات‌ها در نیوزیلند مالیاتی است که به‌منظور صرف هزینه‌های مربوط به مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی، از طرف وکلا به دولت پرداخت می‌شود. آیین پرداخت این مالیات نیز به این شکل است که قانون وکلا مبالغ را از وکلا دریافت و خود آن را هرساله در زمانی مشخص که وزیر تعیین می‌کند، به حساب بانکی که وی مشخص کرده است، به وزارت دادگستری پرداخت می‌کند. این مالیات مطابق با بخش ۲۱۷ قانون وکلا به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. مالیات مربوط به مخارج پیش‌بینی‌شده مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی؛ ۲. مالیات مربوط به مخارج پیش‌بینی‌نشده مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی. مالیات اخیر از ده درصد مالیات اول بیش نخواهد رفت. همچنین با استناد به بخش ۲۲۰ قانون وکلا اگر مالیات‌های موضوع بخش ۲۱۷ تا ۲۱۹ قانون مزبور (مالیات‌های مذکور) کفاف هزینه‌ها و تشکیلات

مأمور تجدیدنظر را نکند، وزیر سلطنتی می‌تواند مالیات ویژه‌ای را مقرر کند. زمان پرداخت و مبلغ این مالیات که از طرف کانون وکلا پرداخت می‌شود، توسط وزیر سلطنتی تعیین و کانون موظف است مبلغ تعیین شده را به وزارت دادگستری پرداخت کند. کانون وکلا برای تأمین منابع مالی لازم برای پرداخت این مالیات به وکلا رجوع می‌کند.

همچنین کانون وکلا به منظور انجام وظایف مقرر خود، هرساله مبلغی تحت عنوان حق اشتراک^۱ از هریک از وکلا دریافت می‌کند. در کنار این مبلغ، با استناد به بخش ۷۴ قانون وکلا هرساله کانون وکلا به اخذ مالیات از وکلا برای صرف هزینه‌ها، تحقق اهداف و انجام وظایف و اختیارات خود از افراد عضو این کانون مبادرت می‌کند. مبلغ آن از یک‌چهارم تا تمام مبلغ حق عضویت متفاوت است. حق عضویت نیز مبلغی است که کانون وکلا با استناد به بخش ۷۳ قانون وکلا از اعضای خود دریافت می‌کند. کانون وکلا برای دریافت این مبلغ و همچنین تعیین میزان آن به تأیید وزیر سلطنتی نیاز دارد. مبلغ دریافتی از وکلا نیز بسته به جایگاه شغلی آنها دارد.

۲.۲.۶. نظارت ویژه فرماندار کل بر مراودات مالی وکلا

همان‌طور که اشاره شد، در نظام حقوقی و سیاسی نیوزیلند، مقامی تحت عنوان فرماندار کل وجود دارد. این مقام مطابق بخش ۱۱۵ قانون وکلا اختیارات گسترده‌ای در خصوص وکلا دارد. از جمله این اختیارات، نظارت وی بر حق الوکاله دریافتی از موکلان از سوی وکلاست.^۲ بررسی رسید و اسناد پرداختی، دریافتی، تملک و سرمایه‌گذاری وجوه و دارایی‌های مختلف که توسط وکلا، کارآموزان، اشخاص منسوب آنها و کانون وکلا صورت گرفته است نیز از جمله اختیارات این مقام عالی دولتی است. اختیارات فرماندار کل تا جایی پیش می‌رود که برای نظارت بر مسائل مالی وکلا می‌تواند حساب‌های امانی^۳ وکلا نزد بانک‌ها را نیز بررسی کند. همچنین این مقام نسبت به وام‌های اعطایی کانون وکلا به اشخاص مختلف

1. Subscription

۱. در این زمینه در حقوق ایران، دولت تقریباً محدودیتی برای تعیین حق الوکاله تعیین نکرده است. به بیان دیگر اگر وکیل و موکل مبلغی را به عنوان حق الوکاله تعیین کرده باشند، دولت جواز مداخله برای تعیین سقف یا کف را برای این مبالغ ندارد؛ اما در برخی موارد قوه قضاییه به نمایندگی از حاکمیت اقدام به تعیین مبلغ حق الوکاله اقدام خواهد کرد. برای مثال مطابق ماده ۲ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق المش اوره و هزینه سفر وکلای دادگستری ۱۳۹۸ مصوب رئیس قوه قضاییه، قرارداد بین وکیل و موکل در خصوص حق الوکاله معتبر است؛ اما در صورتی که حق الوکاله‌ای تعیین نشده باشد، این موضوع حسب مورد بر اساس تعرفه‌های اعلامی در آیین‌نامه مزبور معین خواهد شد. مطابق این ماده که نشأت گرفته از اصل آزادی قراردادهاست، دولت مداخله‌ای در قرارداد وکالت و میزان حق الوکاله تا زمانی که طرفین قرارداد آن را تعیین کرده باشند، ندارد.

3. Trust Account

از جمله وکلا نظارت لازم را اعمال می‌کند. از سوی دیگر هرگاه کانون وکلا برای انجام وظایف و اختیارات خود مبادرت به دریافت وام کند، فرماندار کل بر این وام‌ها نیز اعمال نظارت می‌کند.

۶.۲.۳. تعیین مبالغ مربوط به اخذ پروانه و تمدید آن

مطابق بخش ۶۲ قانون وکلای نیوزیلند، جامعه حقوقی نیوزیلند در بازه‌های زمانی مختلف می‌تواند اقدام به تعیین هزینه‌های مربوط به اخذ پروانه وکالت و اخذ آن از افراد تحت عنوان هزینه‌های پذیرش^۱ کند. همچنین افرادی که سابقاً نامشان در فهرست اسامی وکلا درج شده اما به هر دلیلی نامشان از این فهرست خارج شده است و اکنون مجدداً درخواست ثبت‌نام در فهرست وکلا را دارند، این مبالغ دریافت می‌شود. نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است که اختیار کانون وکلا، مطلق نیست و لازم است پس از آنکه شورای کانون مبالغ مذکور را تعیین می‌کند، این مبالغ را به تأیید وزیر سلطنتی نیز برساند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در خصوص تعیین مبالغ نیز، نظارتی بر این شورا از طرف مقامات دولتی وجود دارد.

۶.۲.۴. دخالت دولت در تعیین حق عضویت

یکی از مسائل مربوط به عرصه امور وکلا «حق عضویت» است. وکلا برای ادامه فعالیت کارآمد و مؤثر صنف خود، باید حق عضویتی به صنف خود بپردازند. از سویی کانون وکلا نیز ارائه خدمات خود به وکلا را منوط به پرداخت حق عضویت می‌داند. یکی از مسائل مربوط به این امر «میزان حق عضویت و چگونگی تعیین حق عضویت» است. فرایندها و مقامات مؤثر بر این امر می‌تواند تأثیر مستقیم بر میزان آن بگذارد. در صورتی که مقام ارزیابی‌کننده و مقام وضع‌کننده حق عضویت، یک مقام واحد باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد میزان حق عضویت در مواردی به‌طور غیرمنطقی افزایش یا کاهش داشته باشد. از این‌رو در نیوزیلند مطابق بند ۲ بخش ۷۳ قانون وکلای نیوزیلند، «شورای جامعه حقوقی نیوزیلند» مرجع پیشنهاددهنده میزان مبلغ حق عضویت به وزیر سلطنتی است و در نهایت وزیر میزان آن را تأیید و تصویب می‌کند.

۷. نتیجه

تعیین مرز بین «حدود مداخلات تنظیم‌گرانه دولت نسبت به کانون‌های وکلا» و «حفظ و تأمین استقلال نهاد وکالت» در کشورها همواره از مسائل مناقشه‌برانگیز نظام‌های حقوقی بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، آنچه در اسناد بین‌المللی به‌عنوان ناقض استقلال کانون‌های وکلا معرفی شده است، «مداخلات ناموجه» دولت‌هاست. به‌منظور تمییز مداخلات موجه از مداخلات ناموجه لازم است تا بین دو

1. Admission Fees

شان «غیربرخوردار از امتیازات قدرت عمومی» و «برخوردار از قدرت عمومی» کانون‌های وکلا تفکیک کرد. در شان نخست به دلیل عدم برخورداري کانون‌های وکلا از اختیارات مربوط به قدرت عمومی و فقدان صلاحیت در خصوص تنظیم امور حرفه‌ای وکلا، به تبع مداخله و نظارت دولت بر آنها نیز وجهی نخواهد داشت. اما در شان دوم نظر به اینکه اموری که ذاتاً در صلاحیت مقامات و مراجع دولتی است، با تصویب قانون به کانون‌های مزبور واگذار شده است، به تناسب اختیارات واگذار شده، کانون‌های وکلای دادگستری در برابر مقامات دولتی مسئول نحوه اعمال اختیارات خود هستند. در این حوزه، دولت موظف است فراتر از دیدگاه صنفی مزبور در شان نخست درصدد فراهم‌سازی شرایط دسترسی مناسب به خدمات حقوقی با رعایت حقوق و منافع عمومی برآید و دست به تنظیم‌گری نهاد وکالت بزند.

مبتنی بر همین رهیافت، قانون وکلای عمومی و معاملات نیویزیند با هدف تأمین منافع عمومی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خدمات حقوقی در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید. این قانون به منظور تضمین دستیابی به اهداف مذکور، اختیارات شایان توجهی را برای دولت در راستای تنظیم‌گری حرفه وکالت به رسمیت شناخته است که می‌توان آنها را در سه دسته کلی «تنظیم‌گری ساختار و تشکیلات نهاد وکالت»، «تنظیم‌گری نحوه ورود به حرفه وکالت» و «تنظیم‌گری دوران تصدی حرفه وکالت» جای داد.

تنظیم‌گری ساختار و تشکیلات نهاد وکالت در دو قالب «نظارت استصوابی بر مقررات مصوب کانون وکلا از سوی فرماندار کل و وزیر سلطنتی» و نیز «الزام کانون وکلا به ارائه گزارش سالانه به وزیر سلطنتی و مجلس نمایندگان» به منصفه ظهور می‌رسد و تنظیم‌گری نحوه ورود به حرفه وکالت از طریق «ارزیابی شرایط تصدی وکالت از سوی دیوان عالی کشور»، «تعیین مفاد و برگزاری دوره‌های آموزش و تربیت وکلا توسط شورای دولتی آموزش حقوقی نیویزیند» و «دخاله در تنظیم فهرست اسامی وکلا از سوی دیوان عالی کشور» تحقق می‌یابد. در نهایت بخش عمده اختیارات تنظیم‌گرانه دولت نسبت به کانون‌های وکلا را مؤلفه‌های دخالت در تنظیم‌گری دوران تصدی حرفه وکالت تشکیل می‌دهد. «پیش‌بینی دادگاه انتظامی وکلا، کمیته استاندارد و مأمور تجدیدنظر شکایات حقوقی و دخالت در تعیین اعضای آنها به منظور رسیدگی و تجدیدنظر از تخلفات وکلا»، «نظارت و واریسی میزان حق الوکاله‌ها»، «پیش‌بینی نظام دریافت مالیات از وکلا» و نیز «تعیین مبالغ مربوط به حق عضویت، پروانه وکالت و تمدید آن» از جمله مداخلات دولت در تنظیم‌گری دوران تصدی حرفه وکالت به حساب می‌آیند. مختصراً این نوع مداخله‌های دولتی نه به معنای نقض استقلال کانون‌های وکلا و اشخاص وکیل، بلکه به منظور توازن بین حقوق کانون و حقوق دریافت‌کنندگان خدمات حقوقی-اغلب موکل‌ها- صورت می‌پذیرد، چراکه فعال ما یشاء بودن کانون وکلا در همه تصمیم‌گیری‌های حوزه وکالت، به سبب تعارض منافع شائبه‌انگیز و جهت‌دار تلقی خواهد شد و این به نوعی تهدیدکننده حقوق شهروندانی است که در پی دریافت خدمات حقوقی‌اند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. تنگستانی، محمدقاسم و مرادی برلیان، مهدی (۱۳۹۵). مفهوم و قلمرو استقلال وکیل و کانون وکلای دادگستری و نظارت موجه دولت بر آن با تمرکز بر قوه قضاییه. تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.

ب) پایان نامه

۲. حیدری، لیلا (۱۳۸۹). استقلال وکیل دادگستری در فرآیند دادرسی منصفانه در نظام حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسینعلی مؤذن زادگان. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تاریخ دفاع ۱۳۸۹/۰۶/۳۱.

ج) قوانین و مقررات

۳. قانون لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳.
۴. آیین نامه قانون لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴.

۲. انگلیسی

A) Articles

- Adlam, G. (2019). A changing profession Newzeland law society 1869-2019. *Law Talk*. 64 (932), 18-40.
- Barnett, J. Snap shot of the profession 2021. *Law Talk*. 66 (948), 36-43.
- Buckingham, D. (2012), Disciplining Lawyers in New Zealand: Re-Pinning the Badge of Professionalism. *Legal Ethics*. 15 (1), 57-82.
- Domberger, S. & Sherr, A. (1989). The impact of competition on pricing and quality of legal services. *International Review of Law and Economies*. 9 (3), 41-56. [https://doi.org/10.1016/0144-8188\(89\)90005-7](https://doi.org/10.1016/0144-8188(89)90005-7)
- Grove, M. & Derham, M. (2004). Shold advocats` immunity continue?. *Melbourne University Review*. 28 (791), 81-125.
- Terry, L. S., Mark, S. & Gordon, T. (2012). Adopting regulatory objectives for the legal profession. *Fordham Law Review*. 80 (4), 2685-2760.
- Woolley, A. (2014). Lawyers and the Rule of Law: Independence of the bar, the Canadian constitution and the law governing lawyers. 24 *National Journal of Constitutional Law*, 1-24.

B) Report

8. Cox, N. (2009). the Effect of the Lawyers and Conveyancers Act on the Independent Bar, Retrieved January 22,

2021. www.researchgate.net/publication/46408388_The_Effect_of_the_Lawyers_and_Conveyancers_Act_on_the_Independent_Bar.

C) Acts and Regulations

9. Fair Trading Act 1986.
10. Lawyers and Conveyancers Act 2006.
11. Law Practitioners Act 1982.
12. New Zealand Law Society's Act 1869.
13. New Zealand Law Society Act 1869 Amendment Act 1877.

D) Other sources

14. The independence of lawyers (2002). 28ème Colloquy on European Law. <http://www.alanuzelac.from.hr/pubs/B17bayonne.pdf>

